

م. ع. اطرافی

ما افغانها برای حالات بد تراز بد باید آمادگی بگیریم

حالات امروز سرنوشت آینده را رقم میزنند. یا بعباره دیگر تخمی که دیروز و امروز کاشته شده فردا و پس فردا حاصل میدهد.

از جریانات اوضاع کنونی حاکم بر افغانستان و جهان نتیجه گیری میشود که در ابعاد داخلی و جهانی حرکت ها، پیشرفت ها و زورگویی ها بسوی نا امنی ها، بی اعتمادی ها، دسایس و برنامه ریزی های جنگی و اشغال گریها و تقویت تروریسم و فساد بوضاحت دیده میشود. نظام نیمه قانون مند جهان دیروزی به قانون جنگل و نظام بی بند و بار امروزی تغییر ماهیت داده است. قدرت مطلقه پنج ضلعی دند ان اتومی جهان که در گذشته ها بحیث قدرت واحد مخمس از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد جهان را کنترل و رهبری میکردند امروز خود به دو قطب متضاد و متخاصم منشعب شده اند که سرنوشت جهان را به بی ثباتی و انارشی مطلق و خطرات جنگ جهانی سوم کشانیده اند که همین اکنون جرقه های آن در سراسر قاره ها و بخصوص در قاره آسیا و افریقا مشتعل شده و جهان پرتلاطم امروز بی سر پرست مانده است.

از سازمان ملل متحد هم در مسایل جهانی و در امر صلح و جنگ سلب صلاحیت شده است. اوضاع و حالات جهان کنونی با اوضاع و حالات قبل از وقوع جنگ جهانی دوم

قابل مقایسه میباشد که کشورهای قدرت مند جهان آن وقت به مسابقات تسلیحاتی مبادرت ورزیدند و توافقات دفاعی دوجانبه و سه جانبه را علیه پیش روی های نظامی جرمنی و هراس از نفوذ نظام کمونستی روسیه با همدیگر عقد و امضاء کردند.

سازمان لیگ آف نیشن هم بی نقش و بی صلاحیت شده بود. جرقه های جنگ های پراکنده منطقوی به جنگ تمام عیار دوم جهانی انجامید که بیش از یکصد ملیون انسان بصورت مستقیم و غیرمستقیم در جنگ و حالات جنگی کشته شدند و از مرض، فقر و گرسنگی ناشی از جنگ زندگی شان را از دست دادند. دو بم اتومی از جانب امریکا بر جاپان پرتاب شد که فاجعه ببار آورد.

چالش های داخلی:

- افغانستان در دسایس ماهرانه و طفلانه پیچیده شده است. بیش از آنچه که ما فکر میکنیم، کشور و مردم ما در زنجیر های اسارت فکری، سیاسی، اقتصادی، نظامی، نا امنی، شبکات استخبارات منطقوی و جهانی، تبلیغاتی و مغزشویی ها و انکار از حقایق، فساد اداری، چور و چپاول ها، کشت و قاچاق مواد مخدر، بی اعتمادی، تفرقه، خصومت، ظلمت اندیشی به دام افتیده است که ما را آنقدر ناتوان و ضعیف نموده که آینده کشور خود را تاریک می بینیم. در تفرقه و خصومت هیچ کاری از دست ما ساخته نمیشود که ناگزیر بها و کفاره ناتوانایی های ما را مردم ما میپردازند و خواهند پرداخت که مسئولیت آن بدوش خود ما میباشد. دشمنان داخلی و خارجی افغانستان در مدت سه دهه جنگ

به بهانه های گوناگون آنقدر خون ریختند و کشتار کردند که در تاریخ سابقه نداشت و ندارد. عروسک دموکراسی را با چادر خون آلودش در کشور ما بر تخت نشانند و نکاح آنرا در فضای پرتاب بم ها از هوا به زمین و انفجار بم های انتحاری، کنار جاده ی، شریعت طالبی با شادمانی جشن گرفتند. ما حاصل ازدواج دموکراسی در افغانستان زایش دوقلوی تقلب انتخاباتی و فساد اداری در کشور ما میباشد که رسوایی آن در سراسر افغانستان و جهان هنگامه بر پا کرده است. اختلاس، رشوت و فساد را با وسعت و شدت در ارگانهای دولتی و جامعه افغانی ترویج کردند و ذخایر معادن ما را به یغما بردند و میبرند. مبارزه با فساد را با ایجاد سازمانهای پرزرق و برق و نهاد های فریبنده بخاطر اغوای مردم طرح کرده اند که مانند سازمانهای صلح که صلحی وجود ندارد با مصارف گزاف تأسیس کردند که تابحال هیچ نتیجه نداده و نمیدهد. ایکاش کمی عقل و صداقت در دولت و ارگانهای ضد فساد وجود میداشت که فساد را با وضع قوانین و مقررات سخت تر، نظارت و محاکمه نمودن مفسدین و جزا دادن ها عملی میکردند و دزدان با پشتاره را محاکمه و زندانی میساختند تا عبرت دیگران میشد و دوباره آنها را رها و آزاد نمیساختند. گاهی از ماورای ابحار هم صداهای اعتراض بلند میشود که دولت افغانستان در فساد آغشته است. برای فساد اداری و تقویت جنگهای ترورستی بیش از ده سال میشود که صادقانه کار شده و به دانه سرطان مبدل گشته است. فساد اداری و جنگ های ترورستی شرایط مساعدی را فراهم ساخته است که معادن گران بهای افغانستان غیرقانونی استخراج و به یغما برده میشود که

رئیس جمهور و دولت افغانستان آنرا نادیده مینگارند اما مردم افغانستان آنرا می بینند و به صدای مردم کس گوش نمیدهد. اردوی ما را خلع سلاح کردند و افغانستان را از حق دفاع مسلم و مشروع محروم ساختند. رئیس دولت افغانستان در اوایل اشغال افغانستان از جمله معتمد ترین شخص پنداشته میشد که از جانب محافظین امریکایی حفاظت میشد و بالای افغانها اعتماد نکردند. در آستانه خروج عساکر خارجی از افغانستان اعتماد رئیس جمهور افغانستان و امریکا تا سرحدی به سردی گرائیده که تبلیغات شان را علیه یک دیگر در رسانه های جمعی جهانی به نشر سپرده اند. اما قرارداد راه بر دی گرگ و گوسفند را در اعتماد کامل با هم دیگر امضاء کردند. اینکه در بین این دو برخورد چه رازی نهفته است گذشت زمان به آن پاسخ خواهد داد. از بعضی شخصیت های افغانی شنیده میشود که این اختلافات را سلیقوی و زرگری میدانند که به رئیس جمهور صبغه ملی داده میشود و اشتباهات و خطاهای امریکا و ناتو در افغانستان را ماست مالی مینماید که آنرا یکی از علل خروج عساکر خود توجیه مینمایند.

مردم افغانستان باید متوجه شوند که امروز قدرت های استعماری غرب و شرق اهداف و برنامه های علنی و مخفی شان را همزمان به پیش میبرند. دولت های شان سیاست علنی را تمثیل مینمایند و سازمانهای استخباراتی شان در توأمیت با استخبارات دولت های دست نشانده و میراث خورهای منطقوی شان برنامه های مخفی شان را به پیش میبرند. از تجارب تروریزم سالاری (آی - اس - آی) سازمان استخبار

ات نظامی پاکستان، سایر سازمان های استخبارات نظامی منطقوی و جهانی درسها آموخته اند و در فکر ایجاد ملیشه های اجیرترورستی شده اند و کلاه های تروریست، طالب و القاعده را بر سرشان میگذارند. از آنها بحیث پیشقراولان و جاده صاف کن مداخلات نظامی شان در کشورها استفاده مینمایند. مسیر انقلابات را در جهت اهداف و منافع استعماری شان تغیر میدهند. نادیده گرفتن موجودیت ارگانهای رهبری و پایگا های تربیتی تروریزم در قلمرو پاکستان صدور و اعزام ملیشه های ترورستی به افغانستان در مدت بیش از ده سال گذشته، قبول ادعاهای ناحق و دروغین رهبران پاکستان و گوش فرا ندادن به فریادها و ادعاهای برحق وانکارنا پذیر افغانستان در مورد موجودیت پناه گاهای تروریزم در قلمرو پاکستان، اظهار نابینایی کردن از فیر توپ های ثقیل و راکت های منظم اردوی پاکستان از سر زمین های اشغال شده به سرزمین های مستقل افغانستان و برسمیت شناختن خط دیورند از جانب امریکا بصورت یکجانبه و بدون در نظر داشت سوابق تاریخی و خواست های مردمان دوطرف خط دیورند در اوضاع حساس کنونی از جمله کارروایی های به شمار می آید که نیات و برنامه های سوء بازیگران منطقوی و جهانی را در برابر افغانستان نشان میدهد که بالاخره نقاب ها را خودشان پاره کردند و چهره های شان را خود آشکار و برملا ساختند.

اما در مورد خط دیورند، در سایت های انترنیتی تبصره ها و مقاله های زیادی به نشر رسیده که عده محدود اشخاص

موضوع خط دیورند را از زاویه ذهنیت های شخصی، قومی و سمتی نگاشته اند که واقعیت های تلخ و دسیسه امیز ایجاد دولت پاکستان را نادیده گرفته و حقایق را تحریف کرده اند و به صراحت برضد منافع افغانستان موضع گیری شده و از منافع پاکستان دفاع شده است.

از همین عده ی محدود قلم بدستان پرسیده میشود که پاکستان برای چه منظور و کدام هدف بوجود آمده؟ در حالیکه قبلن کشوری بنام پاکستان وجود خارجی نداشت که استقلال خود را از انگلیس ها بدست آورده باشد. دولت دست نشانده و میراث خور استعمار در سرزمین های اشغالی هند، افغانستان و بلوچستان از جانب استعمار انگلیس بخاطر حفظ سلطه و منافع استعماری دوامدارش در منطقه حاکم ساخته شد که نام آنرا پاکستان گذاشت که در حقیقت ادامه اشغال و حاکمیت استعمار انگلیس میباشد که بر سرزمین های اشغال شده حاکمیت اش ادامه دارد. تا امروز انگلیس ها از طریق پاکستان میراث خور خود جنگ ها را در نیم قرن گذشته علیه هند و افغانستان براه انداخته است که مسئولیت عام و تام آن متوجه دولت انگلستان میباشد که چنین دولت مصنوعی، دشمن صفت و جنگ افروز را در این منطقه ایجاد کرده است. پاکستان از آوان تولد نا مشروع اش در پکت های نظامی غرب شامل گردید و به پشتوانه همین پکت ها و سازماندهی گروه های ترورستی و فرقه های افراط گرای مذهبی موجودیت و بقاء خود را تا بحال به حمایت حامیان اش حفظ کرده است. حتی پاکستان را مانند اسرائیل با بم اتم و سلاحهای پیشرفته نظامی مجهز ساختند که عین سیاست و برنامه های

مداخلات ترورستی اش را تا امروز علیه افغانستان و هند دنبال مینماید.

کسانی که در باره خط دیورند تبصره مینمایند باید حد اقل اهداف ستراتیژیک استعمار کهن قرن بیستم و استعمار نوقرن بیست و یکم را در منطقه و ایجاد پاکستان مصنوعی که قبلن وجود خارجی نداشت با برنامه های استعماری و شبکات ترورستی اش که در عقب پرده از جانب کدام کشورها و قدرت ها حمایت میشود و بخاطر کدام اهداف کار مینمایند و میجنگند با دقت مطالعه نمایند. بعدن در باره خط دیورند تبصره نمایند تا اشتباهات تاریخی را علیه صلح، مردم و کشور افغانستان مرتکب نشوند. همه افغانها طرفدار حل عادلانه و آبرو مندانه و صلح آمیز خط دیورند هستند. تحمیل یکجانبه ی برسمیت شناختن خط دیورند موضوع را حل کرده نمیتواند بلکه آنرا مشکل ترو پیچیده تر ساخته و میسازد و جنگ را در افغانستان و منطقه دوامدارتر میسازد که به نفع استعمار نوقرن بیست و یکم تمام میشود که برنامه های جنگی را در جهان دنبال مینماید. مردم افغانستان از دوست ستراتیژیک روی کاغذ خود امریکا توقع داشت که قضیه خط دیورند را از طریق آرای مردم دو طرف خط دیورند و دولت های افغانستان و پاکستان به وساطت و نظارت سازمان ملل متحد رهبری میکرد و از طریق دوستانه و صلح آمیز و خواست مالکان اصلی و تاریخی آن برای همیش حل و فصل میکرد و به مناقشه خط دیورند خاتمه داده میشد.

- خود ما افغانها هم تا بحال هدف و ستراتیژی واحد ملی نداریم که مردم ما به گرد آن جمع و متحد میشدند و یا شوند. جای هدف و ستراتیژی ملی ما را خود خواهی، قدرت طلبی، منافع شخصی، فامیلی، قومی، نژادی، سمتی، گروهی، حزبی، سازمانی و تنظیمی اشغال کرده است.

تا هنوز هم جنگ سالاران هرم های قدرت را در اطراف و اکناف کشور تشکیل داده انارشی و ملوک الطوائفی را دامن میزنند و افغانستان را به هرم های کوچک قدرت تقسیم کرده اند. - فساد اداری، رشوت ستانی، اختلاس، عدم شفافیت و صداقت به منافع ملی و مصالح مردم حیثیت، آبرو و اعتماد دولت افغانستان را در بین کشورهای جهان شدیدن صدمه رسانده که منجر به کاهش کمک های جهانی به افغانستان شده و میشود.

- تشتت احزاب سیاسی به بیش از یکصد و بیست حزب رسمی و غیر رسمی به جهانیان این پیغام را داده است که در افغانستان وحدت نظر و عمل وجود ندارد. همین اکنون در حلقات علمی و سیاسی غرب موضوع دولت آینده افغانستان تحت غورو پژوهش قرار گرفته است و اینطور فکر میکنند که جامعه کنونی افغانی کفایت و ظرفیت ایجاد یک دولت باثبات فراگیر ملی را ندارد. تا بحال به تصمیم نهایی نرسیده اند که از همین نظام فاسد، یک کله و صد خیال حمایت نمایند و یا کدام نظام دیگری را جاگزین آن بسازند و یا افغانستان را به چند توته تقسیم نمایند.

احتمال می رود که جبهه ائتلافی از افراط گرایان مذهبی و مدعیان شریعت با مهره های فساد و حامیان دولت آقای کرزی از طریق

انتخابات به اریکه قدرت رسانیده شوند. اگر مخالفین جبهه مذکور نتوانند در انتخابات ریاست جمهوری برنده شوند.

تا زمانیکه استخراج غیرقانونی معادن افغانستان کنترول، مهار و جلوگیری نشود، جنگهای ترورستی و فساد اداری با درجات متفاوت در سراسر افغانستان همچنان ادامه خواهد یافت. زیرا هر سه حلقه با همدیگر پیوند ارگانیک دارند.

- افغانها تا بحال تفاوت بین زندگی اخروی و زندگی دنیوی را نپذیرفته اند. برای رسیدن به اهداف هر دو زندگی از عین وسایل استفاده میشود. در حالیکه زندگی اخروی با اداء فرایض، عبادات و احکام الهی، تقوا و پرهیزگاری و غیره دساتیر و قوانین اسلامی ارتباط میگیرد. زندگی دنیوی بیشتر به فراگیری علوم ساینس و تکنالوژی و وسایل ساخت خود بشرکه در طول تاریخ آنها را اختراع و کشف کرده اند ارتباط میگیرد. اگرما هر کدام را بجایش استعمال و عمل کنیم خوشبخت دین و دنیا میشویم. دین موجب سعادت ما در آخرت میشود و سیاست و اختراعات خود بشر موجب بهروزی ما در دنیا میشود. اگرما دین و سیاست را از هم تفکیک نماییم چنانچه اکثر کشورهای اسلامی و جهانی دین و سیاست را از هم تفکیک کرده اند و برای هر یک زمینه رشد علمی آنها فراهم بسازیم هم در امور دین و هم در امور دنیای خود موفق و کامیاب میشویم.

امروز مردم افغانستان در مرز تاریکی و روشنایی زیست میکنند. کوراندیشان و ظلمت اندیشان تلاش دارند جامعه افغانی بخصوص نسل جوان و دختران افغان را از فرا گرفتن علوم اسلامی و دانش عصری که باعث تقویت آگاهی اسلامی، پیشرفت، ترقی، و آبادی

کشور و بهبود و رفاه زندگی مردم ما میشود جلو گیری نموده که اشتباهات و جنایات نابخشودنی را در این زمینه مرتکب شده ومی شوند. آنها نمیدانند که مادران تعلیم یافته در تربیه اولادشان به نفع دین, جامعه وکشور اسلامی چه نقش بزرگی را بعهدہ دارند. چالش های جهانی:

بحرانهای اقتصادی سراسر اروپا و امریکا را فرا گرفته است. هر ماه وسالیکه میگذرد بحرانهای اقتصادی عمیق تر شده میرود. پول و سرمایه کم نشده است بلکه از بلیونها به تریلیون ها دالر افزایش یافته است. علتہ العلل بحرانهای اقتصادی غرب را بصورت فشرده میتوان در فهرست ذیل جمع بندی کرد:

- استتمارشدید نظام فرسوده سرمایه داری امپریالیستی وتوزیع غیر عادلانه مفاد مازاد بین کارفرما و کارگران وتقلیل ساعات کار کارمندان وکارگران.

- صدور سرمایه ها به عوض صدور کالا های تولید شده به خارج از کشور که منجر به رکود بازار کار و تولید در داخل کشور گردیده است. اما غول های سرمایه و کارپریشن های بزرگ مالی, تولیدی و خدماتی غرب از مزد ارزان کارگران و اهل فن و متخصصین, محصول و مالیات ناچیز وجلوگیری از مصارف روز افزون انتقالات مواد خام درسرمایه گذاری های خارج ازکشور استفاده ها کردند ومیکنند که عاید و مفاد بیشتری را نسبت به سرمایه گذاری های داخلی بدست میآوردند.

- استفاده از وسایل, آلات, ماشین های خود کار و کمپیوتری در اداره, صنایع, تولید, خدمات, زراعت, ساختمانها ودیگر بخش

های کار، نیاز نیروی بشری را به حد اقل پایین آورده است که منجر به سقوط بازار کار و عاید طبقه متوسط جامعه گردیده است. سقوط عاید طبقه متوسط منجر به سقوط عاید دولت و بحران نظام سرمایه داری میگردد که در مقابل به عاید کارفرمایان و کارپریشن ها بیشتر میافزاید.

- صعود قیمت های انرژی، نفت و گاز و مزد بیشتر، قیمت تمام شد تولیدات و محصولات کشورهای غربی را بلند برده که با تولیدات مشابه قدرت های رقیب شرقی و تجارت منطقی رقابت کرده نمیتوانند. بازار خرید مواد خام صنعتی و بازار فروش تولیدات و محصولات شان رانیز از دست داده اند.

- عواید شان را از مستعمرات سابق و منابع خارجی هم از دست داده اند و به کسر بودجه مواجه شده اند.

تمدن شرق بسوی ترقی و غنآمدی در حرکت است در حالیکه تمدن غرب بسوی سقوط مواجه گردیده است. اقتصاد دانان غرب پیش بینی میکنند که اقتصاد چین در سال ۲۵ . ۲ با امریکا مساوی میشود و در سال ۵ . ۲ اقتصاد چین دو برابر امریکا رشد میکند و اقتصاد هندوستان مساوی با امریکا میشود.

کشورهای غربی و ناتو در رأس ایالات متحده امریکا به هراس افتیده و به این نتیجه رسیده اند که باید از سقوط تمدن غرب و پیشروی تمدن شرق جلوگیری شود تا هژمونی غرب (جهان یک قطبی) همچنان حفظ و به قوت خود باقی بماند.

برای رسیدن به این اهداف ستراتیژیک، غرب ناتو و امریکا همزمان دو برنامه را در دستور کار خود قرار داده اند:

۱ - حمله نظامی بر کشورهای عقب مانده اما ثروت مند جهان و اشغال این کشورها و تأسیس پایگاههای نظامی دایمی در این کشورها و تصاحب ذخایر ملیارد دلاری این کشورها. از قبیل افغانستان، عراق، لیبیا، سومالی، مالی و سوریه. به دیگر کشورهای آسیایی و افریقایی هم چشم دوخته اند که منتظر فرصت هستند.

۲ - جلوگیری از پیشرفت اقتصاد و تمدن شرق از طریق تهدید و تحریک خصومتها و جنگهای ذات البینی بین کشورهای منطقه از قبیل چین، جاپان، تایوان، فلپین و ویتنام. بر سر سلسله جزایر کوچک که بالای منطقه تحت البحری نفت و گاز موقعیت دارند. ایجاد و تقویت پایگاههای نظامی و نصب رادارهای پیشرفته نظامی و سوقیات ناوگانهای نظامی در آبهای شرق دور و شرق میانه و براه انداختن تمرینات و مانورهای نظامی مشترک با متحدین جهان یک قطبی و در محاصره کشاندن کشورهای عضو شانغای و جهان دوقطبی. در پهلوی این فعالیتها مسابقات تسلیحاتی با هزینه های بیشتر ادامه دارد. از اوضاع کنونی جهان چنین برداشت میشود که جهان یک قطبی برای پیشروی و جنگ تعرضی امادگی ستر اثر یک میگیرند و جهان دوقطبی برای جنگ دفاعی امادگی ستر اثر یک میگیرند. جنگ های پراکنده نیابتی بین جهان یک قطبی و دوقطبی در آسیا و افریقا آغاز گردیده که یک نمونه آن در کشور سوریه دیده میشود که جهان یک قطبی از مخالفین مسلح دولت سوریه و جهان دوقطبی از دولت بر سر اقتدار سوریه دفاع و حمایت مینمایند. جهان یک قطبی حاضر به حل مسالمت آمیز بحران سوریه نشده و به حل نظامی پافشاری دارند که باعث بی اعتمادی بین دوقطب شده

است. جنگ سوم تمام عیار جهانی زمانی مشتعل خواهد شد که پیشروی و جنگ از محدوده خطوط قرمز قلمروهای تحت نفوذ هر دو قطب عبور نماید، طوریکه در جنگ جهانی دوم تجربه شده است. اقتصاد امریکا و اروپا که قبل از جنگ جهانی دوم به بحران عمیق دچار شده بود بعد از جنگ جهانی دوم دوباره جان گرفت و به سوی ترقی گام نهاد و مسیر صعودی را دنبال میکرد که امروز موجب امیدواری جهان یک قطبی شده که جنگ منطقوی و جنگ محدود سوم جهانی در شرق میتواند بحران اقتصادی غرب را حل نموده دوباره زمینه رشد و ترقی آنرا فراهم خواهد کرد. اگر احتمال جنگ جهانی سوم مطمح نظر باشد به احتمال قوی که در شرق میانه، آسیای جنوبی و یا شرق دور شعله ور خواهد شد. این حدیثیات و پیش بینی ها از رویدادهای مشابه تاریخ گذشته و جریانات امروزی جهان برداشت و گرفته شده است. خدا کند که این برداشت ها و پیش بینی ها از آب غلط برآید و رهبران جهان از عقل و تدبیر و عاطفه انسانی کار بگیرند قضایای جهان را از راهای تفاهم، حسن نیت، مسالمت آمیز و صلح آمیز حل و فصل نمایند و یک نظام قانون مند جمعی جهانی را بوجود آورند که همه کشورها تابع قانون ساخته شوند و قانون جهان را اداره کند. نه بم های اتمی، زروی، هایدروجنی و سلاحهای پیشرفته نظامی.

خدا نخواست که اگر جنگ سوم جهانی آغاز گردد، هر دو قدرت جهان (یک قطبی و دو قطبی) **بیش از حد نیاز سلاح ها و بم های کشتار دسته جمعی را در اختیار دارند که با استعمال آن میتوانند موجودات کره زمین را چندین بار محو و نابود کنند و طبیعت**

زیبای کره زمین را به خاک و خاکسترو غیر قابل استفاده مبدل خواهند ساخت. چنانچه محیط زیست را بخاطر منافع شخصی شان تخریب نموده اند و تلفات و خسارات زیادی را بر مردمان خود شان و مردمان سایر کشورها و سایر زنده جانان و طبیعت کره زمین تحمیل کرده اند و از تخریب طبیعت تا بحال هم دست بردار نشده اند. ضرب المثل مشهور افغانی نباید فراموش شود که میگوید **آب تا گلوبچه زیر پا**. که این ضرب المثل در مورد جنگها هم صدق میکند.

با در نظر داشت اوضاع و احوال داخلی و جهانی که در فوق ذکر گردید مسئولیت و و جایب ما افغانها در قبال مردم و وطن ما چه است, چه کرده میتوانیم و چه باید بکنیم تا وطن خود را از سقوط و دسایس دشمنان داخلی و خارجی نجات بدهیم و در امن و امان با همدیگر برادر وار زندگی نماییم.

و جایب و مسئولیت های ذیل در برابر ما قرار دارد که ما آنها را با صداقت و ایمان داری کامل باید انجام بدهیم.

همه گروه ها, ملیشه های قومی, مذهبی, سمتی, احزاب سیاسی, تنظیم های جهادی و طالبی و ارگانهای امنیتی دولت های بر سر اقتدار در سه دهه اخیر علیه یکدیگر جنگیده اند و مردم افغانستان را به قتل رسانیده اند که علیه هر کدام شان حساسیت های اجتماعی وجود دارد. علیه شان تبلیغات وسیع شده است که در اذهان مردم, همه شان بصورت جمعی کوبیده شده است.

اگر رویدادها را واقع بینانه و صا دقانه بررسی و قضاوت نماییم, همه همین مردم و حامیان شان ملت ما را تشکیل میدهند. در بین شان تعداد محدودی مرتکب جرایم شده اند که حساب شان

از سایر مردم باید تفکیک شود. متباقی همه آنها فرزندان و اتباع با عزت این کشور هستند که صاحب همه حقوق سیاسی و مدنی هستند. هیچ کس حق ندارد علیه شان تبلیغات سوء نمایند. باید مانند همه اتباع کشور احترام شوند. اگر کسی ادعای شخصی دارد، میتواند به مراجع قضایی کشور اقامه دعوی نمایند. دامن زدن به دشمنی ها بین اقوام و اجتماعات افغانی کار و وطنپرستان افغان نیست. دشمنان افغانستان و اجنت های سرسپرده شان چنین تبلیغات و تخریبات را براه میاندازند.

تا هنوز هم عقده های جنگهای ذات البنی بین افغانها رفع نشده در صدد انتقام جویی ها علیه یکدیگر هستند. چنین اوضاع و حالات بهیچصورت به نفع مردم و کشورمان نیست. به وحدت ملی، منافع ملی و حاکمیت ملی ما شدیدن صدمه میرساند. دشمنان افغانستان از آن بهره برداری میکنند. باید به این وضع بی اعتمادی و خصمانه خاتمه داده شود. **معقول ترین و سهل ترین راه حل آن این است که رئیس جمهور، شورای ملی و یا جمعیت العلمای افغانستان آشتی سراسری ملی و عفو عمومی را اعلام نماید.** من یقین کامل دارم مردم نجیب افغانستان بخاطر منافع ملی و نجات افغانستان از بحرانی که در پیشروی ما قرار دارد فراخوان آشتی ملی و عفو عمومی را لبیک میگویند و از انتقام گیری ابا و امتناع میورزند. این امر زمینه ساز آشتی ملی، وحدت و همبستگی سراسری ملی در افغانستان میشود و به حیث یک دژ محکم در برابر مداخلات دشمنان افغانستان ایستادگی میکند. در ارشادات دین مبین اسلام هم گفته شده که مؤمنان با هم برادر هستند بین

شان آشتی و صلح نمایید. نجات افغانستان از بحران و مداخلات دشمنان افغانستان به آشتی ملی وحدت و همبستگی ملی و ایجاد جبهه متحد سراسری بحیث یک قدرت متحدسیاسی و اجتماعی از اولویت های جامعه ما بشمار می آید. هیچ گروه، قوم، حزب و تنظیم نمیتواند از حاکمیت ملی کشور به تنهایی دفاع نماید و بحرانهای کشور را حل نماید.

ایجاد جبهات متحده در شرایط کنونی تدابیر وطن دوستانه به شمار می آید که باید از آن حمایت کرد و به آن توسعه بخشید تا مردم صادق و وطن دوست افغانستان بتوانند کاندید مورد نظر شان را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۲ به اریکه قدرت برسانند. رئیس جمهور منتخب به پشتوانه مردم هر کار مشکل را به پیش برده میتواند و از حاکمیت ملی دفاع مینماید. بیایید که در همین راستا مشترکین و متحدین با صداقت عمل کنیم تا خداوند متعال ما را هدایت و حمایت نماید. و من اله توفیق

۱۶ عقرب ۱۳۹۱

